

فضای کسب و کار، راهبرد رشد؛

مقایسه کشورهای اسلامی منطقه منا و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی

Doing Business for Growth; a Comparative Study between the Islamic Countries in MENA and the Countries of OECD

Seyed Nezamuddin Makiyan (Ph.D.)*, Mehdi Emami Meybodi**, Samaneh Eshraty***, Zohreh Ahmadi****

دکتر سید نظام‌الدین مکیان*، مهدی امامی میبیدی*،
سمانه عشرتی***، زهره احمدی****

Received: 28/Nov/2012 Accepted: 5/Aug/2013

دریافت: ۱۳۹۱/۹/۸ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۱۴

چکیده:

Abstract:

Many factors affect on the performance of economic activities. Some of these factors are out of the control which are known in economic literature as Doing Business. Although this concept was used in economic history thought, but from the 1990s the literature of doing business has been concerned by governments and international economic institutions. This study aims to investigate and compare the most important factors, i.e.: starting a business, getting credit, protecting investors, paying taxes, trading across borders and enforcing contracts which improve the environment of doing business for growth. We examine such a factors between MENA Islamic countries and the countries of OECD in the period of 2007-2012. The method which is used, is panel data regression analyses. Results indicate that the Islamic countries must have more attention to the factors of trading across borders and getting credit for improvement of ease of doing business.

Keywords: Doing Business, MENA Islamic Countries, Organisation for Economic Cooperation and Development (OECD).

JEL: R11, P48, C23.

عوامل متعددی بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی تأثیرگذار می‌باشند. دسته‌ای از این عوامل خارج از تسلط و کنترل فعالان اقتصادی بوده که در ادبیات این حوزه با عنوان فضای کسب و کار شناخته می‌شود. اگرچه مفهوم فضای کسب و کار از دیرباز در نظریات و اندیشه‌های اقتصادی با تعاریف و عناوین دیگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما از دهه ۱۹۹۰ تاکنون این مفهوم مورد توجه کشورهای و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته به طوری که بخشی از اهداف و سیاست‌گذاری‌های کلان کشورها به بهبود فضای کسب و کار اختصاص می‌یابد. با درک اهمیت جایگاه این شاخص در اقتصاد ملی، این مطالعه سعی نموده است اولویت‌های بهبود سهولت کسب و کار جهت رشد اقتصادی را در دو منطقه اقتصادی جهان یعنی کشورهای اسلامی منطقه منا و منطقه سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی مورد ارزیابی و مقایسه قرار دهد. این پژوهش تأثیر مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار؛ یعنی شاخص‌های سهولت شروع کسب و کار، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذار، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی و اجرای قراردادهای در دو منطقه مذکور طی دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ با استفاده از روش رگرسیونی داده‌های تابلویی ارزیابی می‌نماید. با توجه به نتایج به دست آمده و همچنین وضعیت نسبتاً مطلوب فضای کسب و کار در منطقه سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، لازم است کشورهای اسلامی منطقه منا برای بهبود در فضای کسب و کار شاخص‌های تجارت فرامرزی و اخذ اعتبار را در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی خود مورد توجه ویژه قرار دهند.

کلمات کلیدی: فضای کسب و کار، کشورهای اسلامی منطقه منا، سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: C23, P48, R11.

* Associate Professor, Yazd University, Yazd, Iran.

Email: nmakiyan@yazduni.ac.ir

** Ph.D. Student in Economics, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Email: mehdi28j@gmail.com

*** M.A. Student in Economics, Yazd University, Yazd, Iran.

Email: sh_eshraty@yahoo.com

**** M.A. Student in Economics, Yazd University, Yazd, Iran.

Email: z_ahmadi8965@yahoo.com

* دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

Email: nmakiyan@yazduni.ac.ir

** دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه شیراز

Email: mehdi28j@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه یزد

Email: sh_eshraty@yahoo.com

**** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه یزد

Email: z_ahmadi8965@yahoo.com

مقدمه

دولت وخارجیان نقشی را در آن ایفا می‌نمایند. دولت به عنوان یکی از ارکان حائز اهمیت در حوزه کسب و کار از جهات، ابعاد و مسیرهای مختلف بر قانون‌گذاری، اجرا، نظارت و نهایتاً بر بهبود محیط کسب و کار تأثیرگذار است. در صورتی که دولت بتواند از جایگاه تصدی‌گری به جایگاه سیاست‌گزاری و نظارت منتقل گردد، علاوه بر رفع محدودیت برای فعالان اقتصادی، شرایط ایجاد و گسترش بنگاه‌های اقتصادی را فراهم نموده و در چنین شرایطی، سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاسی دولت می‌تواند منجر به شکل‌گیری یک نظام اقتصادی سالم، شکوفا، شفاف و توانمند گردد. همچنین دولت می‌تواند با تحمیل هزینه‌های غیر ضروری، ایجاد بی‌ثباتی و انواع ریسک تأثیر منفی بر فضای کسب و کار داشته باشد. با در نظر گرفتن این امر که یکی از عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار نقش سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت است، می‌توان حکمرانی خوب که اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس پاسخگویی و اثر بخشی می‌باشد را از ضرورت‌های بهبود فضای کسب و کار جهت توسعه اقتصادی قلمداد نمود.

با توجه به اهمیت فضای کسب و کار و تأثیر آن بر متغیرهای کلیدی اشتغال و تولید، این پژوهش سعی نموده است، اولویت‌بندی متغیرهای مربوط به بهبود فضای کسب و کار در دو منطقه مهم اقتصادی جهان که دارای اهمیت استراتژیک در ثبات کلان اقتصادی و سیاسی جامعه بین‌الملل می‌باشند، با استفاده از روش رگرسیونی داده‌های تابلویی را مورد بررسی قرار دهد. این دو منطقه عبارت‌اند از: کشورهای اسلامی منطقه منا (MENA)^۱ شامل ۱۵ کشور منتخب^۲ و منطقه سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD)^۳ که از ۳۰ کشور توسعه یافته^۴ تشکیل گردیده است.

1. Middle East and North Africa

۲. شامل کشورهای الجزایر، جیبوتی، مصر، ایران، عراق، اردن، کویت، لبنان، مراکش، عمان، عربستان، سوریه، تونس، امارات متحده عربی، و یمن می‌باشد. دلیل اینکه این کشورهای اسلامی منطقه منا برای این مطالعه در نظر گرفته شده است، همگنی نسبی فرهنگی و اقتصادی موجود بین آنها نسبت به سایر کشورهای اسلامی می‌باشد.

3. Organisation for Economic Co-operation and Development

۴. این منطقه شامل کشورهای ایرلند، دانمارک، کانادا، فرانسه، بلژیک، سوئد، لوکزامبورگ، آلمان، اتریش، ایسلند، پرتغال، اسپانیا، هلند، نروژ، یونان، استرالیا، آمریکا، انگلیس، ایتالیا، ترکیه، جمهوری اسلواکی، جمهوری چک، ژاپن، سوئیس، فنلاند، کره جنوبی، لهستان، مجارستان، مکزیک و نیوزیلند می‌باشد.

عملکرد و فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی متأثر از عوامل متعددی است که می‌توان آنها را در دو دسته کلی طبقه‌بندی نمود. دسته اول، عواملی است که در تسلط و قدرت بنگاه‌ها بوده به طوری که عملکرد و کارایی بنگاه به طور مستقیم توسط آنها سنجیده می‌شود. دسته دیگری از عوامل خارج از اراده و اختیار بنگاه‌ها بوده که در این حالت مدیران و مالکان بنگاه‌ها نمی‌توانند این عوامل را تغییر داده یا بهبود بخشند. در ادبیات اقتصادی، بخشی از این عوامل که بهبود آنها موجب سهولت تولید و ایجاد اشتغال می‌شوند، تحت عنوان "فضای کسب و کار" شناخته شده‌اند. فضای کسب و کار از دو دهه اخیر تاکنون مورد توجه قرار گرفته و در ادبیات این حوزه به عنوان عامل ارتباط‌دهنده فضای خرد و کلان اقتصادی مطرح گردیده است.

یکی از راه‌های تجزیه و تحلیل سهولت تولید و قوانین و مقررات مربوط به آن در هر کشور بررسی فضای کسب و کار در آن منطقه می‌باشد. در فضای نامناسب کسب و کار، بخش خصوصی به سمت اقتصاد زیرزمینی غیر مولد و غیر رسمی سوق پیدا کرده، رشوه و فساد افزایش می‌یابد و نهایتاً تبانی در قراردادهای، مزایده‌ها، مناقصه‌ها و خریدهای دولتی زیاد می‌شود. از این رو کشورهایی که به اهمیت این مسئله پی برده‌اند، تلاش‌های زیادی را برای بهبود و گسترش فضای کسب و کار و شاخص‌های مرتبط با آن در اقتصاد ملی به کار برده‌اند.

فضای کسب و کار در برنامه‌های توسعه کشور نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به طور مثال این موضوع به طور واضح در دو ماده (۳۷) و (۴۱) برنامه چهارم مورد توجه قرار گرفته است. در سیاست‌های کلی برنامه پنجم نیز موضوع بهبود فضای کسب و کار به عنوان یکی از راه‌های تحقق رشد پرشتاب و مستمر در نظر گرفته شده است.

برای بررسی بیشتر و درک ماهیت جایگاه و عوامل مؤثر بر محیط کسب و کار می‌توان آن را با ادبیات مطرح شده در حوزه اقتصاد کلان تطبیق داد. با این رویکرد فضای کسب و کار به عنوان یک محیط کلان اقتصادی قلمداد گردیده که هر یک از کارگزاران فعالیت‌های اقتصادی شامل خانوارها، بنگاه‌ها،

راه‌های ایجاد توسعه حتی با تکیه بر سرمایه‌های کوچک می‌باشد. کتاب راز سرمایه وی با تشریح وضعیت فقرا و راه‌های برون رفت از آن، بر این باور است که مقررات ساده‌تر و کمتر از جانب دولت و اتکای بیشتر بر حکومت قانون می‌تواند شرایط اشتغال فقرا را آسان‌تر نماید. در صورتی که فقرا امکان دسترسی به نظام کارآمد مالکیت را داشته باشند می‌توانند ظرفیت بالقوه سرمایه را که خود را در جهت تقویت استعداد کارآفرینی به کار گیرند. وی همچنین بیان می‌نماید وجود فضای نامساعد کسب و کار در کشورهای در حال توسعه، بخش خصوصی را به اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد غیر رسمی و غیر مولد سوق خواهد داد و در این حالت، سرمایه‌ها در باتلاق نظام اداری غرق شده و یا به کشورهای توسعه‌یافته حرکت می‌نمایند (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷: ص ۱۵).

"اگر مردم کشورهایی که در حال گذار به توسعه می‌باشند، گدایان قابل ترحم نباشند، در راه‌های بی‌فایده گرفتار نشده باشند و زندانی بی‌تقصیر فرهنگ‌های ناکارآمد نباشند، پس چه عاملی می‌تواند باعث گردد تا سرمایه‌داری همان ثروتی را که تحویل غرب داده است، به این کشورها تحویل ندهد؟" (دسوتو، ۱۳۸۴: ص ۱۵).^۲ دسوتو با بی‌اعتنایی به مسائل کارآفرینی، توجه و تأکید خود را بر مشکلات محیطی فضای کسب و کار معطوف نموده و معتقد است، مالکیت و قوانین مربوط به محیط کسب و کار می‌تواند مانع اصلی در تولید و انباشت سرمایه باشد.

در این راستا و برای بررسی روند شکل‌گیری نظریات بهبود فضای کسب و کار لازم است دو روند مهم مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. مکاتبی که موضوع رشد تولید و انباشت سرمایه را مورد بررسی قرار داده و به عوامل محیطی بنگاه توجه نموده‌اند. به عنوان مثال، مکتب سنتی آلمان - اتریش^۳ (۱۹۳۳-۵۵) که توسط دو اقتصاددان با نام‌های تانن و شوومپتر (Tanen and Schumpeter) شکل گرفت، در مبحث وجود بازارهای کامل با نئوکلاسیک‌ها اختلاف نظر داشته و با بیان عدم وجود چنین بازارهایی وارد مسائل محیطی بنگاه‌ها

مقایسه این دو منطقه از حیث اولویت‌های بهبود فضای کسب و کار می‌تواند زمینه‌ای برای سیاست‌گذاری فضای کسب و کار در جهت بهبود آن در فضای اقتصاد ملی و کشورهای اسلامی منتخب ارائه نماید. این مقاله پس از مقدمه به تعریف شاخص فضای کسب و کار و روش‌های ارزیابی آن پرداخته است. بیان مبانی نظری و مروری بر مطالعات انجام شده موضوعات بعدی را به خود اختصاص داده است. ارائه روش تحقیق، نتایج حاصل از تخمین مدل و نهایتاً جمع‌بندی و نتیجه‌گیری موضوعات بخش‌های پایانی را تشکیل می‌دهند.

فضای کسب و کار: مبانی نظری، تعاریف،

شاخص‌ها و روش‌ها

نقطه آغاز مباحث اقتصاد آزاد و بخش خصوصی را می‌توان با انتشار کتاب ثروت ملل آدام اسمیت در دهه ۱۷۷۰ همراه دانست. با این وجود و با ظهور نظریاتی که در آن ضرورت دخالت دولت در بازارها را امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند، تصدی‌گری‌های دولت‌ها به مرور زمان افزایش یافت که مهم‌ترین پیامد آن بروز نشانه‌هایی از ناکارآمدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی بود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۲۱۲). این موضوع خود زمینه ایجاد نظریات و تئوری‌های اقتصادی که مبنای ترکیب بهینه دولت و بازار بودند را فراهم نمود. بر این اساس، کشورهای جهان از دهه ۸۰ برای دستیابی به اقتصاد غیردولتی به خصوصی‌سازی روی آوردند. با این وجود از اوایل دهه ۹۰، نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران اقتصادی بر بهبود فضای کسب و کار تأکید نموده که این تغییر در پارادایم سیاست‌گذاری را می‌توان محصول تحولات اقتصادی جوامع و طرح نظریات جدید اقتصادی دانست (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷: ص ۱۴).^۱ در این میان، نظریات هرماندو دسوتو اقتصاددان پرویی را می‌توان یکی از مهم‌ترین نظریات جدید که انقلاب بزرگی را در کشورهای توسعه نیافته به پا کرد، قلمداد نمود.

دسوتو نظریات خود را در سال‌های ۱۹۸۶ و ۲۰۰۰ در دو کتاب "راه دیگر" و "راز سرمایه" ارائه نمود. وی معتقد است که بهبود فضای کسب و کار یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین

2. Desoto (2005)

3. Nature of Technology (1933)

1. Midari & Ghoudjani (2008)

گردیدند. آنان نقش کارآفرینان و عوامل محیطی کسب و کار را در توسعه اقتصادی با تأکید ویژه مورد توجه قرار داده‌اند. مکاتبی که به ساماندهی موانع محیطی رونق فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها تأکید و راه‌کارهای بهبود فضای کسب و کار را مطرح نموده‌اند. در این زمینه نهادگرایان (۷۵-۱۹۳۷) از اولین مکتبی است که از نگاه سازمانی و نهادی به بررسی محیط فعالیت اقتصادی یک بنگاه پرداختند. آنان معتقدند اقتصاد باید به عنوان یک سازمان و مجموعه واحد، تمامی اجزای آن با یکدیگر در ارتباط و تعامل بوده و نقش سازمان‌ها و نهادها در زندگی اقتصادی مورد توجه قرار گیرد (تفضلی، ۱۳۸۵: ص ۳۹).^۱

با تأمل در مباحث فوق و مسائل پیرامون آن می‌توان از دیرباز بر توجه به محیط کسب و کار و عوامل مؤثر بر آن از نگاه اندیشمندان و محققان اقتصادی صحنه گذاشت^۲، با این وجود فضای کسب و کار، موضوعی است که در سال‌های اخیر با دقت و ظرافت بیشتری مورد تأکید قرار گرفته است. به عبارت دیگر می‌توان چنین استنباط نمود که شاخص‌هایی که هم اکنون توسط بانک جهانی در بررسی و مقایسه سهولت فضای کسب و کار مورد بررسی قرار می‌گیرد، در گذشته و در میان مکاتب، نظریات و تئوری‌های اقتصادی با عناوین و تعاریف دیگر مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

شاخص‌های فضای کسب و کار

در زمینه سنجش و پایش فضای کسب و کار در سطح کشورهای جهان، بانک جهانی را می‌توان به عنوان یکی از متولیان اصلی این امر تلقی نمود. در این راستا بررسی، تشخیص و مقایسه مداوم شاخص‌های ارائه شده توسط کارشناسان بانک جهانی و تعیین عوامل مؤثر بر محیط و فضای اقتصادی کشورهای جهان باعث گردیده است تا این نهاد بین‌المللی شاخص‌های ده‌گانه، سهولت شروع کسب و کار (فرایند ثبت شرکت)، اخذ مجوزها (از اخذ مجوز تا تأسیس یک بنگاه)، استخدام و اخراج نیروی کار، ثبت مالکیت (ثبت دارایی در اسناد رسمی)، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، اجرای قراردادهای و انحلال یک فعالیت را به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی فضای کسب و کار معرفی نماید. این بانک با استفاده از شاخص‌های ده‌گانه مذکور رتبه سهولت کسب و کار را در هر یک از کشورها محاسبه و در گزارش خود به صورت مقایسه‌ای ارائه می‌نماید.

روش‌های ارزیابی فضای کسب و کار

«فضای کسب و کار»^۳ عنوان گزارشی است که در راستای سنجش فضای کسب و کار توسط IFC^۴ از سال ۲۰۰۴ با

با تأمل در مباحث فوق و مسائل پیرامون آن می‌توان از دیرباز بر توجه به محیط کسب و کار و عوامل مؤثر بر آن از نگاه اندیشمندان و محققان اقتصادی صحنه گذاشت^۲، با این وجود فضای کسب و کار، موضوعی است که در سال‌های اخیر با دقت و ظرافت بیشتری مورد تأکید قرار گرفته است. به عبارت دیگر می‌توان چنین استنباط نمود که شاخص‌هایی که هم اکنون توسط بانک جهانی در بررسی و مقایسه سهولت فضای کسب و کار مورد بررسی قرار می‌گیرد، در گذشته و در میان مکاتب، نظریات و تئوری‌های اقتصادی با عناوین و تعاریف دیگر مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

تعریف فضای کسب و کار

با همه اهمیت و تأکید بر فضای کسب و کار، نمی‌توان تعریف واحدی از این واژه در ادبیات اقتصادی ارائه نمود. به عنوان مثال در یک تعریف، فضای کسب و کار را عوامل مؤثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی مانند کیفیت دستگاه‌های حاکمیت، ثبات قوانین و مقررات، کیفیت زیرساخت‌ها و ... دانسته‌اند که تغییر این عوامل فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاه‌های اقتصادی است (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷: ص ۱۱).^۳ در جای دیگر فضای کسب و کار را می‌توان به شرایط محیطی مورد نیاز برای افزایش تولید و

1. Tafazzoli (2006)

۲. برای مطالعه به کتاب "تاریخ عقاید اقتصادی: از افلاطون تا دوره معاصر" نوشته فریدون تفضلی مراجعه شود.

3. Midari & Ghoudjani (2008)

4. Doing Business

5. International Finance Corporation

استفاده از دو روش اصلی ذیل به صورت سالیانه منتشر می‌گردد.

• نظرسنجی و پرسش از صاحبان کسب و کار

• اندازه‌گیری هزینه‌های اداری و زمان‌سنجی مراحل انجام کار در روش نخست، متولیان و صاحبان بخش خصوصی، موانع کسب و کار در حوزه فعالیت خود را بیان نموده و رتبه‌بندی می‌نمایند. در این روش برای تشخیص مناسب بودن فضای کسب و کار در کشور، معیارها و ساز و کارهای حاکم بر اقتصاد از جمله درجه باز بودن و شفافیت، کارآیی سیاست‌ها و ساختار دولتی، بازارهای پولی و مالی، زیرساخت‌ها و فناوری، انعطاف‌ناپذیری نیروی کار و نهادهای سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرند. در روش دوم شاخص‌های ده‌گانه کسب و کار و سهولت اجرای آنان در میان کشورهای جهان مبنای مقایسه قرار می‌گیرند. به عبارتی، هر میزان سرعت انجام دادن یک فعالیت بیشتر و تعداد مراحل اداری و هزینه‌های آن کمتر باشد، محیط کسب و کار آن کشور مناسب‌تر و رتبه آن در مقایسه با سایر کشورها بهتر خواهد بود.

پیشینه تحقیق

فضای کسب و کار و عوامل مؤثر بر آن موضوعی است که در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در کشورهای مختلف در مورد آن صورت گرفته است.

همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره گردید، گزارش‌های بانک جهانی تحت عنوان "فضای کسب و کار" را می‌توان از مهم‌ترین گزارش‌ها در زمینه فضای کسب و کار تلقی نمود. این گزارش‌ها که از سال ۲۰۰۴ به صورت سالیانه منتشر می‌شود، به بررسی شاخص‌های تشکیل‌دهنده فضای کسب و کار و رتبه‌بندی کشورهای جهان در سهولت کسب و کار می‌پردازد. گزارش‌های مزبور مبنای بررسی فضای کسب و کار در کشورهای مختلف و بهبود شاخص‌های آن در مطالعات متعدد این حوزه گردیده است.

استل و همکاران (۲۰۰۶)^۱ در مطالعه "اثر قوانین و مقررات

کسب و کار بر روی کارآفرینان نوپا و جوان" رابطه بین مقررات و کارآفرینی را با روش تخمین مدل اقتصاد سنجی در ۳۹ کشور مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها دریافته‌اند که کمبود سرمایه مورد نیاز جهت شروع یک کسب و کار، کاهش نرخ کارآفرینی در کشورها را به دنبال دارد. با این حال، مراحل اداری کسب و کار مانند هزینه و زمان با نرخ تشکیل کسب و کار جوان و نوپا ارتباطی ندارد.

"شاخص‌های فضای کسب و کار: مسائل مربوط به اندازه‌گیری و مفاهیم سیاسی" عنوان مطالعه‌ای است که توسط برگ و کازس (۲۰۰۷)^۲ صورت گرفته است. مقاله مذکور با روشی توصیفی به بررسی انتقادی از شاخص استخدام نیروی کار و سیاست‌های این شاخص پرداخته است. از یک طرف مفاهیم و همچنین کاربردهای سیاستی استخدام نیروی کار را با به کارگیری اجزاء شاخص جهانی فضای کسب و کار نشان داده و از سوی دیگر، انعطاف‌پذیری در قوانین بین‌المللی کار، حداقل دستمزد، اخراج نیروی کار، جداسازی پرداخت‌ها، ساعت کار، مرخصی سالانه و نهایتاً هزینه‌های نیروی کار بدون دستمزد را ارزیابی نموده است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که کشورها با دخالت کمتر در این امور رتبه بهتری را در شاخص استخدام نیروی کار به خود اختصاص داده‌اند.

لی و همکاران (۲۰۰۸)^۳ در مطالعه‌ای دیگر تحت عنوان "شاخص جهانی استخدام نیروی کار: یافته‌ها و نقدها - بررسی مدارک و شواهد اخیر" با در نظر گرفتن شاخص استخدام نیروی کار و زیر شاخص‌های آن، فضای کسب و کار را مورد بررسی قرار داده‌اند. محققان این مطالعه یافته‌های مطالعات دیگر را که از این شاخص استفاده کرده‌اند یا از آن متأثر شده‌اند را از لحاظ مفهومی و تجربی بازبینی نمودند. آنان دریافته‌اند که تنها با استفاده از شاخص استخدام نیروی کار نمی‌توان بازار کار را مورد بررسی قرار داد و استفاده از این شاخص برای بررسی این موضوع نتایج گمراه‌کننده‌ای را ارائه خواهد داد، بلکه می‌بایستی فضای کسب و کار را در رابطه با وضعیت اشتغال مورد توجه قرار داد.

2. Berg & Cazes (2007)

3. Lee et al. (2008)

1. Stel et al. (2006)

تکوین سایر بازارها کمک نموده و در نتیجه به شکل غیرمستقیم به بهبود فضای کسب و کار در این بازارها که یکی از الزامات آن تأمین مالی کسب و کارها و نقدینگی لازم برای تأسیس و رشد آنها می‌باشد کمک نماید. محقق به بررسی آثار بازار سرمایه بر فضای کسب و کار و شاخص‌های آن و نیازهای کسب و کار در بازار سرمایه کشور پرداخته است. این مطالعه این ادعا را مطرح نموده است که بازار سرمایه، یکی از پشتیبانان قوی برای اشتغال آفرینی، نوآوری و رشد اقتصادی به دلیل به جریان انداختن "سرمایه آگاهانه" خواهد بود.

جعفری و همکاران (۱۳۸۹)^۵ در مطالعه‌ای با عنوان "ارزیابی فضای کسب و کار صنعتی ایران در حمایت از بخش خصوصی با رویکرد کارت امتیازی متوازن" با استفاده از یک رویکرد تلفیقی از تحلیل سلسله مراتبی فازی و کارت امتیازی متوازن به ارزیابی فضای کسب و کار صنعتی در ایران پرداخته است. محقق پس از بررسی وضعیت موجود و مطلوب فضای کسب و کار در ایران، شاخص‌های استخراجی با تحلیل فرایند سلسله مراتبی فازی وزن‌دار گردیده و با استفاده از خبرگان این بخش ۱۶ راهبرد کلان برای توانمندسازی بخش خصوصی ارائه نموده است.

نصیری اقدم (۱۳۸۹)^۶ در مطالعه "بررسی راهبردها و تجربیات گروه کسب و کار بانک جهانی در ایجاد اشتغال" بر اساس ایده‌های کوز و دستوتو با استفاده از گزارش‌های بانک جهانی سه موضوع: چرا کسب و کارهای جدید در برخی کشورها به سختی شکل می‌گیرند و در بعضی به راحتی؛ چرا دامنه‌ی کسب و کارهای غیر رسمی در بعضی اقتصادها بیش از سایر اقتصادها است و چرا امکان ورود بخش غیر رسمی به بخش رسمی مشکل و در نتیجه امکان گسترش و بزرگتر شدن فعالیت‌های اقتصادی در برخی کشورها کمتر از سایر کشورها است را بررسی نموده است. نتایج تحقیق وی پس از ارزیابی این سه موضوع بیانگر آن است که بهترین راه برای ایجاد اشتغال، تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و بهبود محیط کسب و کار از طریق وضع مقررات کمتر و کارآتر است.

دریمر و پرچت (۲۰۱۰)^۱ در تحقیقی تحت عنوان "چگونگی ایجاد کسب و کار و شاخص‌های فضای کسب و کار: فضای سرمایه‌گذاری در هنگام وجود فضای کنترل در بنگاه‌ها" سه شاخص گرفتن زمان اجازه عملیات، زمان ایجاد و ساخت عملیات و زمان واردات کالا را ارزیابی نموده و به مقایسه جو سرمایه‌گذاری در بیش از ۱۰۰ کشور جهان پرداخته‌اند. آنان نشان دادند که در فضای کسب و کار زمان عامل مهم و تأثیرگذار می‌باشد که این موضوع تحت تأثیر اصلاحات سیاستی صورت گرفته در هر کشور است.

نیسترام (۲۰۱۰)^۲ در مطالعه‌ای با عنوان "قوانین و مقررات کسب و کار و نوار قرمز در اقتصاد کارآفرینان" به بحث متقابل بین قوانین و مقررات کسب و کار و فعالیت‌های کارآفرینی پرداخته است. وی در بخش تجربی با استفاده از روش داده‌های تابلویی در دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۷۲ با استفاده از داده‌های ۲۳ کشور OECD به شرح و بسط در روابط بین کارآفرینی و کارآیی قوانین و مقررات کسب و کار پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان دهنده وجود رابطه مثبت بین کارآفرینی و کارآیی قوانین و مقررات کسب و کار می‌باشد.

مرادحاصل و همکاران (۱۳۸۷)^۳ در پژوهشی با عنوان "اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر فضای کسب و کار و تسهیل تجاری" با استفاده از مبانی نظری موجود، دو مدل پایه مربوط به عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار و تسهیل تجاری را استخراج نموده و با استفاده از روش داده‌های تابلویی برای دو گروه از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر فضای کسب و کار و تسهیل تجاری پرداخته‌اند. نتایج حاکی از تأثیر معنادار فناوری اطلاعات و ارتباطات بر فضای کسب و کار و تسهیل تجاری در کشورهای توسعه یافته و نامشخص بودن این اثر در کشورهای در حال توسعه است.

در تحقیقی دیگر، صالح آبادی (۱۳۸۸)^۴ در مطالعه‌ای با عنوان "نقش بازار سرمایه در بهبود فضای کسب و کار ایران" با توجه به این واقعیت که بازار سرمایه ایران قادر است به

1. Driemeier & Pritchett (2010)
2. Nyström (2010)
3. Moradhasel et al. (2008)
4. Salehabadi (2009)

5. Jafari et al. (2010)

6. Nasiri Aghdam (2010)

روش تحقیق و آزمون‌های تشخیص

همان‌گونه که در بخش مقدمه نیز به آن اشاره گردید، این مطالعه سعی نموده است اولویت‌های بهبود فضای کسب و کار در میان کشورهای منتخب اسلامی منطقه منا و منطقه سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی که دارای اهمیت استراتژیک در ثبات کلان اقتصادی و سیاسی جامعه بین‌الملل می‌باشند را با استفاده از روش رگرسیونی داده‌های تابلویی در دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ مورد بررسی و مقایسه قرار دهد. بنابراین رویکرد این مطالعه یک روش تحلیلی-استنباطی است. داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از گزارش‌های بانک جهانی با عنوان "فضای کسب و کار، Doing Business" استخراج گردیده است. شاخص‌های مورد بررسی در این مطالعه عبارتند از: متغیرهای شروع کسب و کار، اجرای قراردادهای، پرداخت مالیات، حمایت از سرمایه‌گذاران، تجارت فرامرزی و اخذ اعتبار. طبق اطلاعات مستخرج از گزارش‌های بانک جهانی شش شاخص مذکور در میان شاخص‌های ده‌گانه تشکیل‌دهنده فضای کسب و کار از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و می‌تواند در بهبود این فضا تأثیر بسزایی داشته باشند. در این تحقیق این شش شاخص انتخاب و در مدل مورد بررسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

مدل کلی رگرسیون مورد استفاده در این مطالعه به صورت رابطه شماره ۱ می‌باشد. در این رابطه، Y_{it} متغیر وابسته، X_{it} برداری از k متغیر توضیحی و U_{it} نیز جزء اخلال است.

$$Y_{it} = \alpha + \beta_{it}X_{it} + U_{it} \quad (1)$$

در این حالت می‌توان $U_{it} = \mu_i + \gamma_i + \epsilon_{it}$ تعریف نمود که در آن، ϵ_{it} جزء اخلال دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و واریانس σ^2 است. μ_i بیان‌گر تفاوت‌های موجود بین مقاطع مورد بررسی بوده و ثابت یا تصادفی بودن توزیع آن منجر به تعیین شکل الگو به ترتیب در قالب اثر ثابت یا تصادفی می‌گردد (گرین، ۲۰۰۱: صص ۳۳۰-۲۸۳). γ_i نشان‌دهنده وجود اثرات زمانی در الگو می‌باشد. در الگوی فوق، i نمایانگر تعداد مشاهدات مقطعی و t نشان‌دهنده دوره زمانی مشاهدات می‌باشد. ضریب α نیز جزء ثابت کلی مدل نام دارد.

در این مطالعه شاخص اصلی سهولت فضای کسب و کار به عنوان متغیر وابسته (Y_{it}) و زیرشاخص‌های مورد بررسی به عنوان متغیرهای توضیحی مدل (X_{it}) در نظر گرفته شده‌اند. از این‌رو مدل مورد استفاده در این مطالعه به صورت رابطه شماره ۲ خواهد بود:

$$db_{it} = \beta_0 + \beta_1 start_{it} + \beta_2 credit_{it} + \beta_3 investor_{it} + \beta_4 tax_{it} + \beta_5 trade_{it} + \beta_6 contract_{it} + U_{it} \quad (2)$$

در رابطه شماره ۲، db : شاخص سهولت فضای کسب و کار، $start$: شاخص سهولت شروع کسب و کار، $credit$: شاخص اخذ اعتبار، $investor$: شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران، tax : شاخص پرداخت مالیات، $trade$: شاخص تجارت فرامرزی، $contract$: شاخص اجرای قراردادهای و اندیس‌های i و t نماد کشور و سال می‌باشند.

در روش داده‌های تلفیقی برای انتخاب میان روش‌های داده‌های تابلویی و اثرات مشترک (داده‌های تلفیقی) از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در صورتی که روش داده‌های تابلویی انتخاب گردد در این صورت لازم است از آزمون هاسمن برای انتخاب روش اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی استفاده گردد.

برای تخمین مدل مورد بررسی در دو منطقه مورد مطالعه ابتدا آزمون F لیمر برای تعیین روش استفاده از داده‌های تابلویی یا اثرات مشترک (داده‌های تلفیقی) استفاده شده، سپس در صورت تأیید روش داده‌های تابلویی، آزمون هاسمن برای تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی آن به کار گرفته می‌شود. تخمین مدل نهایی با اثر تعیین شده، ضرایب شاخص‌های مربوط به فضای کسب و کار در دو منطقه مورد بررسی را مشخص می‌کند.

جدول شماره (۱)، نتایج آزمون داده‌های تابلویی یا اثرات مشترک بودن هر دو مدل مورد بررسی را ارائه می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در هر دو منطقه مورد بررسی با توجه به اینکه مقدار احتمال به دست آمده F لیمر (۰/۰۰) کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، از این‌رو می‌توان فرضیه صفر مبنی بر روش اثرات مشترک مدل را رد نموده و روش داده‌های تابلویی را پذیرفت.

به دلیل محدودیت دوره زمانی (۲۰۱۲-۲۰۰۷) یعنی شش سال آزمون ریشه واحد لزومی نداشته و لذا در این مطالعه آزمون هم‌انباشتگی نیز ضرورتی ندارد (بالتاجی، ۲۰۰۵: صص ۲۴۸-۲۳۸).

آزمون واریانس ناهمسانی: با توجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس‌ها بر برآورد انحراف معیار ضرایب و مسئله استنباط آماری، لازم است قبل از تخمین مدل نهایی، آزمون برابری واریانس‌ها در مورد داده‌های هر دو مدل مورد مطالعه صورت پذیرد. بدین منظور از آزمون نسبت درستنمایی (Likelihood Ratio) استفاده گردیده که نتایج بررسی آماره χ^2 برای هر دو منطقه در جدول شماره (۳) نشان داده شده است.

جدول (۳): آزمون نسبت درستنمایی

کشورهای اسلامی منطقه منا		سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی	
LR Chi ² (14)	Prob>Chi ²	LR Chi ² (31)	Prob>Chi ²
۷۲/۰۶	۰/۰۰۰	۲۱۰/۰۱	۰/۰۰۰

ماخذ: محاسبات تحقیق

جدول شماره ۳ نشان‌دهنده آن است که میزان احتمال بدست آمده برای کشورهای اسلامی منطقه منا و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی کمتر از ۰/۰۵ بوده که نشان‌دهنده وجود واریانس ناهمسانی در مدل‌های مورد تخمین می‌باشد. از آنجایی که یکی از روش‌های رفع مشکل ناهمسانی واریانس برآورد مدل به روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) است (گجراتی، ۲۰۰۶: صص ۶۵۱-۶۳۶)^۲، از این روش در این مطالعه برای تخمین مدل نهایی از این روش استفاده گردیده که در این حالت مشکل خودهمبستگی مدل نیز در صورت وجود رفع می‌گردد.

تخمین نهایی مدل‌ها

جدول شماره (۴) نتایج بدست آمده از تخمین مدل برای هر دو منطقه را نشان می‌دهد. از آنجا که مقدار احتمال آماره χ^2 (۰/۰۰۰) از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد، بنابراین معنی‌دار بودن کل هر دو مدل مورد بررسی تأیید می‌شود. مقادیر آزمون Z

جدول (۱): آزمون لیمر

مناطق	آزمون F لیمر	F _{Leamer}	Prob>F
کشورهای اسلامی منطقه منا	۲۷/۳۳		۰/۰۰۰
کشورهای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی	۳۳/۱۲		۰/۰۰۰

ماخذ: محاسبات تحقیق

جدول شماره ۲ نتایج آزمون هاسمن اثرات ثابت یا تصادفی بودن را نشان می‌دهد. در کشورهای اسلامی منطقه منا، از آنجایی که مقدار احتمال به دست آمده (۰/۹۴۷) بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، اثرات تصادفی بودن مدل تأیید می‌گردد. اما مقدار احتمال به دست آمده (۰/۰۰) در منطقه سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی کمتر از ۰/۰۵ بوده که بنابراین تخمین نهایی مدل برای این منطقه با اثرات ثابت تأیید می‌گردد.^۱

جدول (۲): آزمون هاسمن

مناطق	آزمون هاسمن	X ² (6)	Prob> Chi ²
کشورهای اسلامی منطقه منا	۱/۶۸		۰/۹۴۷
کشورهای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی	۵۳/۲۲		۰/۰۰۰

ماخذ: محاسبات تحقیق

به دلیل اینکه وجود نامانایی در متغیرهای مؤثر بر فضای کسب و کار می‌تواند منجر به بروز رگرسیون کاذب گردد، از این‌رو لازم است مانایی تمامی متغیرهای مورد بررسی آزمون شوند. در مورد داده‌های تابلویی لازم است از آزمون‌های هادری (Hadri)، لوین، لی و چو (Levin, Lee and Chu) و همچنین ایم، پسران و شین (Im, Pesaran and Shin) به منظور بررسی مانایی جمعی متغیرها استفاده نمود. با این وجود

۱. شایان ذکر است که به دلیل استفاده از داده‌های تلفیقی در این پژوهش از دو روش اثرات ثابت و تصادفی در تخمین مدل‌ها استفاده شده است. در روش اثرات تصادفی، عرض از مبدأ جزء اخلاص شبیه به μ_{it} است که با متغیرهای توضیحی ناهمبسته است. یعنی $(Cov(x_{it}, \mu_{it}) = 0)$ و $V_{it} = \mu_{it} + \varepsilon_{it}$. در روش اثرات ثابت ویژگی‌های ثابت کشوری، مانند جمعیت و موقعیت جغرافیایی با متغیرهای توضیحی می‌تواند همبسته باشد. به عبارتی، جزء اخلاص در مدل اثرات ثابت شامل اثرات غیرقابل مشاهده خاص هر کشور (η_i) و خطای مشاهدات (ε_{it}) است که احتمال رابطه بین جمله اثرات ثابت (η_i) و متغیر توضیحی وجود دارد

$$u_{it} = \eta_i + \varepsilon_{it}$$

2. Baltagi (2005)

3. Gujarati (2006)

پرداخت مالیات برای کشورهای اسلامی منطقه منا و تجارت فرامرزی برای منطقه OECD رتبه اول را در سیاست‌گذاری به خود اختصاص داده‌اند. این بدین مفهوم است که پرداخت مالیات برای منطقه منا و تجارت فرامرزی برای منطقه OECD مهم‌ترین عامل در بهبود فضای کسب و کار موجود تشخیص داده شده است. حمایت از سرمایه‌گذار در کشورهای اسلامی منتخب و اخذ اعتبار برای کشورهای OECD دومین عاملی است که باید به آن توجه شود. شاخص شروع سهولت کسب و کار و اجرای قراردادهای هر دو منطقه رتبه یکسانی را بدست آورده‌اند. در مقایسه با کشورهای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی که از فضای کسب و کار بهتری برخوردارند، شاخص‌های اخذ اعتبار و تجارت فرامرزی در جایگاه پایین اولویت در کشورهای اسلامی منطقه منا قرار گرفته‌اند؛ این در حالی است که در منطقه OECD دو شاخص مذکور به ترتیب اولویت‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. از این‌رو جهت دستیابی کشورهای اسلامی منطقه منا به فضای کسب و کار بهتر و رشد بیشتر، لزوم توجه ویژه و حمایت از تجارت فرامرزی یعنی داشتن سهم بیشتر در تجارت جهانی و آسان نمودن اخذ اعتبار به منظور ایجاد بنگاه‌های اقتصادی جدید جهت نیل به رشد بیشتر و توسعه اقتصادی امری ضروری تلقی می‌گردد.

جدول (۵): رتبه بندی شاخص‌ها برای بهبود فضای کسب و کار

مناطق اولویت	کشورهای اسلامی منطقه منا		منطقه سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی	
	متغیر	ضرایب	متغیر	ضرایب
۱	پرداخت مالیات (tax)	۰/۳۶۵	تجارت فرامرزی (trade)	۰/۲۶۰
۲	حمایت از سرمایه‌گذار (investor)	۰/۳۴۱	اخذ اعتبار (credit)	۰/۲۰۷
۳	اجرای قراردادها (contract)	۰/۲۸۲	اجرای قراردادها (contract)	۰/۱۹۶
۴	تجارت فرامرزی (trade)	۰/۲۲۹	پرداخت مالیات (tax)	۰/۱۲۹
۵	سهولت شروع کسب و کار (start)	۰/۱۸۷	سهولت شروع کسب و کار (start)	۰/۱۲۷
۶	اخذ اعتبار (credit)	۰/۱۷۷	حمایت از سرمایه‌گذار (investor)	۰/۰۹۹

ماخذ: محاسبات تحقیق

همچنین احتمال‌های حاصله برای متغیرهای توضیحی مدل‌ها، بیان‌گر آن است که تمامی شش متغیر توضیحی مورد استفاده در هر دو منطقه از نظر آماری معنادار و دارای علامت مثبت می‌باشد. این موضوع نشان‌دهنده تأثیر مثبت آنها بر بهبود فضای کسب و کار بوده که با مبانی نظری نیز سازگار می‌باشد. هر چه ضریب متغیر توضیحی بیشتر باشد نشان‌دهنده اهمیت بیشتر آن و برعکس هر چه ضریب متغیر توضیحی کمتر باشد نشان‌دهنده توجه بیشتر به آن متغیر در سیاست‌گذاری اقتصادی می‌باشد که در زیر بدان پرداخته می‌شود.

جدول (۴): نتایج تخمین مدل در کشورهای اسلامی منطقه منا و OECD

مناطق متغیر	کشورهای اسلامی منطقه منا				سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی			
	p> z	Z	Std.Err	Coef	p> z	Z	Std.Err	Coef
Start	۰/۰۰	۳/۹۷	۰/۰۴۷	۰/۱۲۷	۰/۰۰	۵/۳۶	۰/۰۲۴	۰/۱۲۷
Credit	۰/۰۰	۳/۰۸	۰/۰۵۷	۰/۲۰۷	۰/۰۰	۷/۷۶	۰/۰۲۷	۰/۲۰۷
Investor	۰/۰۰	۷/۷۰	۰/۰۴۴	۰/۰۹۹	۰/۰۰	۵/۱۸	۰/۰۱۹	۰/۰۹۹
Tax	۰/۰۰	۹/۹۸	۰/۰۳۷	۰/۱۲۹	۰/۰۰	۵/۷۶	۰/۰۲۲	۰/۱۲۹
Trade	۰/۰۰	۵/۳۰	۰/۰۴۳	۰/۲۶۰	۰/۰۰	۸/۰۶	۰/۰۳۲	۰/۲۶۰
Contract	۰/۰۰	۵/۵۸	۰/۰۵۰	۰/۱۹۶	۰/۰۰	۸/۰۴	۰/۰۲۴	۰/۱۹۶
عرض از مبدأ	۰/۰۰	-۶/۶۳	۷/۹۵	-۱۲/۹	۰/۰۰	-۸/۵۲	۱/۵۱۶	-۱۲/۹
Prob>chi ² = ۰/۰۰۰ X ² (۶)= ۱۲۶۰/۶۸				Prob>chi ² = ۰/۰۰۰ X ² (۶)= ۵۳۲/۸۱				

ماخذ: محاسبات تحقیق

استنباط و نتیجه‌گیری

این مطالعه مهم‌ترین اولویت‌های بهبود فضای کسب و کار را با استفاده از روش داده‌های تابلویی در کشورهای اسلامی منطقه منا و منطقه سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی تبیین نموده است. نتایج حاصل از تخمین نهایی مدل‌های مورد بررسی که در جدول شماره ۴ ارائه گردیده است، برای استنباط و تعیین اولویت‌های سیاست‌گذاری در جدول شماره ۵ نشان داده شده است. برای تعیین اولویت به منظور بهبود فضای کسب و کار از ضرایب به دست آمده از تخمین مدل‌ها استفاده گردیده به طوری که هر چه میزان ضریب یک متغیر بالاتر باشد، نشان‌دهنده تأثیر بیشتر آن متغیر بوده و در نتیجه اولویت بالاتری را در سیاست‌گذاری به خود اختصاص خواهد داد.

همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود شاخص

منابع:

- Baltagi, B.H. (2005), "Econometric Analysis of Panel Data", John Wiley & Sons Ltd.
- Berg, J. and Cazes, S. (2007), "The Doing Business Indicators: Measurement Issues and Political Implications, Employment Analysis and Research Unit", Economic and Labor Market Analysis Department, Geneva: ILO.
- Daglas, C.N. (1998), "Institutions, Institutional Change and Economic Performance", Translate by Moeini, Tehran: Organization of Plan and Budget.
- Desoto, H. (1989), "The Other Path", Harper Publisher.
- Desoto, H. (2005), "Why is the Importance of Informal Economy", Translate by Kheirkahan, Quarterly Journal of Social Welfare, 7(20), pp. 45-72.
- Driemeier, M.H. and Pritchett, L. (2010), "How Business Is Done and the Doing Business Indicators: The Investment Climate when Firms Have Climate Control", The World Bank, Research Working.
- Greene, W. (2001), "Econometric Analysis", Pearson Education, Inc.
- Gujarati, D. (2006), "Econometric Foundation", Translate by Abrishami, Tehran: Tehran University Press.
- Jaafari, M., Ahmadi A., Khleghi GH. And Heidari M. (2010), "Evaluation of the Iranian Industrial Business Environment in Support of Private Sector with the Balanced Scorecard Approach", Journal of Industrial Engineering and Production Management, 21(2), PP. 37-52.
- Jalilan, H., Kirkpatrick, C. and Parker, D. (2006), "The Impact of Regulation of Economic Growth in Developing Countries: A Cross Country Analysis", World Development, 35(1), pp. 21-32.
- Lee, S. (2008), "The World Bank's Employing Workers Index: Findings and Critiques – A Review of Recent Evidence", International Labor Review, 147(4), pp. 416-432.
- Mehregan, N. and Daliri, H. (2010), "Application of STATA in Statistics and Econometrics", Tehran: Noore-elm Press.
- Midari, A. and Ghoudjani, A. (2008), "Evaluation and Improvement of Business Environment", Industry Leaders Associations.
- Mobarak, A. and Azarpeyvand, Z. (2009), "Look at the Good Governance Indicators of Islam View and its Effect on Economic Growth", Quarterly Journal of Islamic Economics, 9(36), PP. 179-208.
- Moradhasel, N., Mozayyeni, A. and Paryab, S. H. (2008), "Effect of Information Technology and Communications on Business Environment and Trade Facilitation", Journal of Economic and New Business, 4(14), PP. 39-63.
- Nasiri Aghdam, A. (2010), "Investigating of Strategies and Experiences of World Bank's Business Group in Creating Employment", Quarterly Journal of Economics and Society, 6(21-22), PP. 35-82.
- Nyström, K. (2010), "Business Regulation and Red Tape in the Entrepreneurial Economy", CESIS and the Division of Economics, KTH and the Ratio Institute, Stockholm.
- OECD (2008), "Supporting Business Environment Reform", Practical Guidance for Development Agencies.
- Sadeghi, H., Sameti, M. and Sameti, M. (2012), "Effect of Economic Globalization on Government Size (Surveying the Selected Asian Countries)", Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research, 2(6), pp. 209-249.
- Salehabadi, A. (2009), "Role of Capital Market in Improvement of Iran's Business Environment", Money and Economy, 1, PP. 101-123.
- Stel, A., Story D.J., and Thurik A.R., (2006), "The Effect of Business Regulations on Young Business Entrepreneurship", Small Business Economics, 28(2-3), PP. 171-186.
- Tafazzoli, F. (2006), "History of Economic Thought from Plato to Contemporary", Tehran: Ney Press.